

## بررسی قانون ضد تروریسم انگلستان

### چکیده

عدالت کیفری و رعایت اصول حقوق بشر در مبارزه با تروریسم، نقش بسیار مهمی در کارآمدی اقدامات کشورها و نهادهای دست‌اندرکار مبارزه با پدیده شوم تروریسم دارد. به همین لحاظ بررسی قانون ضد تروریسم انگلیس و انتقادات وارد بر آن می‌تواند حاوی پیام مهمی برای مدعیان مبارزه با تروریسم باشد. در این مقاله نویسندگان سعی در طرح مجدد اصول و قواعد حقوق بشر در مبارزه با تروریسم در چارچوب قانون ضد تروریسم انگلیس دارند. شایان ذکر است که استفاده از آرای دیوان اروپایی حقوق بشر و تفاسیر عمومی کمیته حقوق بشر ملل متحد در خصوص این موضوع، جایگاه خطیر و غیرقابل تخطی رعایت اصول حاکم بر مبارزه با تروریسم را تبیین نموده است.

### مقدمه

امروزه پدیده تروریسم به یکی از مهمترین دغدغه‌های امنیتی ملتها و دولتها در سراسر جهان تبدیل شده است. رواج پدیده تروریسم منحصر به منطقه و یا دولتهای خاصی نیست، بلکه از کشورهای کوچک کمتر توسعه یافته تا بزرگترین قدرتهای دنیا به نحوی با این معضل امنیتی مواجه هستند. توجیهات تروریستها برای ارتکاب این اعمال و نیز نحوه

مبارزه با تروریسم اگرچه اشکال متفاوتی به خود می گیرد اما به نظر می رسد، هم تروریستها و هم مدعیان مبارزه با تروریسم خود را ملزم به رعایت اصول حقوق بشری نمی دانند.

این مقاله در پی آن است [#۱۷۰۵&](#)؛ه روشن نماید قانون ضدتروریسم ۲۰۰۱ انگلیس

[#۱۷۰۵&](#)؛ه مدت اعتبار آن تا ۱۰ نوامبر ۲۰۰۶ می باشد تا چه میزان با اصول و موازین

حقوق بشری منطبق است و مشخص نماید که چگونه می توانیم میان نگرانیهای امنیتی

دولتها در زمینه مبارزه با تروریسم از یک سو و رعایت اصول و موازین حقوق بشری از

سوی دیگر تعادل برقرار نماییم.

در مبحث اول این مقاله به بررسی تعلیق میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی و

کنوانسیون اروپایی حقوق بشر که به موجب قانون ضدتروریسم صورت گرفته است

می پردازیم و مشروعیت این اقدامات را براساس تعهدات انگلستان به موجب حقوق

بین الملل و رویه قضائی دیوان اروپایی حقوق بشر مورد ملاحظه قرار می دهیم.

در مبحث دوم به ارزیابی صدور تاییدیه\* توسط وزیر کشور و گروههای تروریستی که

مشمول صدور تاییدیه از جانب وزیر کشور هستند می پردازیم.

در مبحث سوم تبعیض آمیز بودن این قانون از لحاظ حقوقی و عملی را مورد بررسی قرار

می دهیم.

در مبحث چهارم بازداشت مظنونان تروریستی را به موجب قانون ضد تروریسم مطرح می کنیم و مشخص می نمایم که قانون ضد تروریسم تا چه میزان با استانداردهای حقوق بشری از قبیل ضرورت تفهیم اتهام و معقول بودن مدت بازداشت سازگاری دارد.

در مبحث پنجم کمیسیون ویژه استیناف مهاجرتی\*\* را که به موجب قانون ضد تروریسم به منظور تصمیم گیری در مورد مشروعیت تاییدیه صادره از جانب وزیر کشور ایجاد شده است از لحاظ اصول دادرسی منصفانه مورد مذاقه قرار می دهیم.

در پایان دلایل مورد استفاده در رسیدگی به پرونده های تروریستی به موجب قانون ضد تروریسم را مورد بحث قرار می دهیم و در این خصوص به موضع دادگاههای انگلیس راجع به دلایل محرمانه اشاره می نمایم.

## مبحث اول

تعلیق میثاق حقوق مدنی و سیاسی و کنوانسیون اروپایی حقوق بشر به موجب قانون

ضد تروریسم

### بند اول - طرح موضوع

بعد از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ پارلمان بریتانیا قانون ضد تروریسم را تصویب نمود. در فصل ۴ این قانون آیینی برای بازداشت مظنونان تروریست غیرانگلیسی، بدون اینکه حکم محکومیتی علیه آنها صادر شده باشد یا در واقع اتهاماتی علیه آنها مطرح شده باشد، در نظر گرفته شد.

انگلستان براساس بخش (۱) ۳۰ این قانون اعلامیه‌های تعلیقی را به موجب ماده ۱۵ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر [۱] و ماده ۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی [۲] تنظیم نموده است.

### بند دوم - علل توسل انگلستان به اعلامیه‌های تعلیقی

دلایلی را که دولت انگلستان برای توسل به اعلامیه‌های تعلیقی از کنوانسیون اروپایی حقوق بشر و میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی مطرح نموده به شرح ذیل می‌باشد:

۱- دلیل حقوقی: یکی از موانع بازگرداندن مظنونان تروریست غیرانگلیسی به کشور

ملی‌شان امکان استناد به « اصل سوورینگک » یا « اصل عدم عودت » [۳] می‌باشد. [۴] « اصل

سوورینگک » برآمده از رویه قضائی کنوانسیون اروپایی حقوق بشر است که به موجب آن

یک دولت عضو کنوانسیون نمی‌تواند شخص حاضر در سرزمین خودش را، در صورتی که

آن شخص دلیل اساسی ارائه نماید که امکان دارد در کشور دیگر با خطر رفتار غیرمنطبق

با برخی استانداردهای کنوانسیون مواجه شود، به کشور مزبور منتقل نماید. [۵] البته قضیه

سوورینگک رفتار مغایر با ماده ۳ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر [۶] را شامل می‌شود؛ با این

حال حمایت‌های این اصل به مجازات اعدام و انکار آشکار دادرسی منصفانه نیز تعمیم

می‌یابد. [۷]

همچنین حمایت‌های ناشی از اصل سوورینگ به بند (و) ماده ۱ [۸] و بند (۲) ماده ۳۳ کنوانسیون راجع به وضعیت پناهندگان ۱۹۵۱ [۹] نیز تعمیم می‌یابد زیرا این حمایتها هیچ‌گونه استثنائی را بر مبنای رفتار مظنونان نمی‌پذیرند. [۱۰]

در بخش ۲۳ قانون ضد تروریسم از «اصل سوورینگ» به عنوان دلیل حقوقی برای عدم امکان انتقال مظنونین به کشور ملی‌شان یا هر کشور دیگری که متعهد به پذیرش آنها باشد، یاد شده است. [۱۱]

۲- دلیل عملی: دلیل دیگری که برای عدم امکان انتقال مظنونین تروریستی به کشوری دیگر مطرح گردید وجود ملاحظات عملی بود؛ ملاحظاتی از قبیل فقدان روابط سیاسی با کشوری که انتقال باید به آنجا صورت بگیرد و یا اینکه انتقال به دلیل عدم ثبات در آن کشور عملاً امکان‌پذیر نباشد. [۱۲]

۳- دلایل مصلحتی: سومین دلیلی که در خصوص عدم امکان انتقال اشخاص مظنون به تروریسم از جانب مقامات انگلیسی مطرح شده است، مربوط به مواردی است که اصولاً دولتی وجود دارد که مایل به پذیرش مظنونین می‌باشد و آن مظنونین نیز مایل هستند تا خاک انگلستان را ترک نمایند، ولی به دلیل آنکه احتمال دارد این اشخاص دارای اطلاعاتی باشند که بتواند برای اشخاصی که در کشور مقصد در صدد توسل به فعالیت‌های تروریستی علیه انگلستان هستند ارزشمند باشد، انتقال آنها به مصلحت نمی‌باشد. [۱۳]

بدین ترتیب دولت انگلیس با وضعیتی روبرو بود که براساس آن اتباع غیرانگلیسی که دولت انگلستان به دست داشتن آنها در فعالیتهای مخرب علیه امنیت ملی انگلستان مظنون بود، قابل تعقیب نبودند. به عبارت دیگر این دولت نه می توانست آنها را به دولت دیگری منتقل نماید و نه این امکان وجود داشت تا آنها را به موجب حقوق موجود به عنوان مظلومان به جرم یا به عنوان اشخاص در انتظار اخراج بازداشت نماید.

بنا به دلایل فوق، قانون ضدتروریسم ۲۰۰۱ اختیار بازداشت را مطرح نمود و به خاطر اینکه ممکن بود این نوع بازداشت (بازداشت بدون چشم انداز فوری انتقال یا بازداشت پیشگیرانه) با بند (۱) ماده ۵ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر [۱۴] و ماده ۹ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی [۱۵] مغایرت پیدا کند، یک اعلامیه تعلیقی به موجب بخش ۳۰ قانون ضدتروریسم [۱۶] در چارچوب ماده ۱۵ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر و ماده ۴ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی صادر گردید.

اگرچه به موجب قانون مهاجرت ۱۹۷۱ انگلیس اختیار وسیعی به مقامات انگلیسی برای بازداشت شخص غیرانگلیسی که حضور او در انگلستان بنا به دلایل امنیت ملی مساعد نیست داده شده، [۱۷] لیکن دیوان استیناف، بازداشت فردی که باید اخراج شود بدون آنکه هیچ گونه چشم انداز روشنی از انتقال او وجود داشته باشد را نامشروع دانسته

است. [۱۸]

## بند سوم - ارزیابی مشروعیت تعلیق صورت گرفته از جانب انگلستان

در خصوص مشروعیت تعلیق صورت گرفته از سوی انگلستان، هم کمیسیون ویژه استیناف

مهاجرتی و هم دیوان استیناف انگلیس طی احکام جداگانه‌ای بر وجود یک وضعیت

اضطراری عمومی که تهدیدکننده حیات ملت است صحه گذارده‌اند. [۱۹] در هر حال

لردهای حقوقدان پارلمان انگلیس در مورد وجود یک وضعیت اضطراری و اینکه آیا

تعلیق در این مورد دقیقاً مورد نیاز می‌باشد یا خیر اختلاف نظر دارند. [۲۰]

از نظر لرد بینگهام در این خصوص یک «وضعیت اضطراری عمومی» وجود دارد. او

معتقد است که کمیسیون ویژه استیناف مهاجرتی فی‌نفسه در مورد این موضوع قانونی

دچار گمراهی نشده است. [۲۱] مطابق رویه قضائی اروپایی این امر در اختیار دولت

بریتانیاست تا تصمیم‌گیری نماید که آیا یک وضعیت اضطراری وجود دارد یا خیر؛ و این

تصمیم بیشتر سیاسی بوده است تا حقوقی. [۲۲]

در تایید نظریه لرد بینگهام، دیوان اروپایی حقوق بشر، اختیار وسیع ارزیابی را برای دولتها

در نظر گرفته است تا تعیین نمایند که آیا تمهیدات تعلیقی از کنوانسیون اروپایی حقوق

بشر مناسب‌ترین یا مقتضی‌ترین تمهیدات هستند یا خیر. برای نمونه دیوان در یک قضیه

چنین اظهار نموده است:

« دیوان یادآوری می کند که این امر بر عهده هر دولت متعاقد است تا تعیین نماید که آیا حیات ملت به وسیله یک وضعیت اضطراری عمومی تهدید شده است یا خیر و اگر این گونه است، چه میزان لازم است تا در تلاش برای غلبه بر این وضعیت اضطراری حرکت نماید. به دلیل تماس مستقیم و مستمر مقامات ملی با نیازهای مبرم زمان، آنها علی الاصول در مقایسه با قاضی بین المللی در وضعیت بهتری قرار دارند، تا هم در مورد وجود یک چنین وضعیت اضطراری و هم در مورد ماهیت، قلمرو و تعلیقات ضروری برای دفع آن تصمیم گیری نمایند. مسلماً در این مورد باید یک محدوده وسیع ارزیابی برای مقامات ملی در نظر گرفته شود.» [۲۳]

با وجود این، اعلامیه های تعلیقی صورت گرفته از سوی انگلستان به موجب قانون ضد تروریسم با انتقاداتی رو به روست؛ از جمله رویه تبعیض آمیز انگلستان در این باره باعث شده تا تمهیدات مندرج در فصل ۴ قانون ضد تروریسم تنها به مظنونان تروریستی بیگانه اعمال شود که این امر در مغایرت آشکار با بند (۱) ماده ۴ میثاق بین المللی حقوق

مدنی و سیاسی [۲۴] می باشد. همچنین به موجب تفسیر عمومی شماره ۲۹ کمیته حقوق بشر (۲۰۰۱)، [۲۵] اگرچه ماده ۲۶ [۲۶] و مقررات میثاق در خصوص عدم تبعیض (یعنی بند (۱) ماده ۲، [۲۷] ماده ۳، [۲۸] بند (۱) ماده ۱۴، [۲۹] بند (۴) ماده ۲۳، [۳۰] بند (۱) ماده ۲۴، [۳۱] و ماده (۲۵) [۳۲] در میان مقررات غیر قابل تعلیق در بند (۲) ماده ۴ ذکر نشده اند، اما تحت هیچ شرایطی مقررات مربوط به عدم تبعیض را نمی توان تعلیق کرد. [۳۳]



انتقاد دیگری که بر این قانون وارد است آن است که بسیاری از تدابیری که دولت بریتانیا به موجب قانون ضد تروریسم اتخاذ کرده، در خارج از دامنه تعلیق صورت گرفته توسط انگلستان (بند (۱) ماده ۵ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر) قرار می گیرد و بدین ترتیب با تعهدات بین المللی آن دولت در تعارض است. البته در مباحث بعدی این تدابیر بیشتر مورد بحث قرار خواهند گرفت.

## مبحث دوم

### تاییدیه

#### بند اول - ارزیابی صدور تاییدیه از جانب وزیر کشور

بخش ۲۱ قانون ضد تروریسم اختیار صدور تاییدیه (گواهینامه) را در صورتی که وزیر کشور به طور معقولی معتقد باشد حضور یک شخص در انگلستان تهدید کننده امنیت ملی است و یا مظنون باشد که این شخص یک تروریست بین المللی است به وی اعطاء می نماید. [۳۴]

در بخش ۱ قانون تروریسم سال ۲۰۰۰،\* مفهوم بسیار وسیعی برای تروریسم در نظر گرفته شده است. به موجب آن قانون، تروریسم تنها به اقدام علیه انگلستان محدود نمی شود، بلکه به هر اقدام طراحی شده برای تحت تاثیر قرار دادن سیاست هر دولت در هر جای دنیا تروریسم اطلاق می شود. به موجب بخش (۴) ۲۱ قانون ضد تروریسم سال ۲۰۰۱ تعریف

ارائه شده در بخش ۱ قانون تروریسم ۲۰۰۰ به این قانون نیز تسری می‌یابد. در این قانون اختیار محدود کردن حقوق فردی به یک مقام اجرایی (وزیر کشور) اعطاء شده است، در حالی که قاعدتاً این امر باید با مجوز یک نهاد قضائی صورت گیرد، زیرا اصولاً ضامن صیانت از حقوق فردی در هر کشوری قوه قضائیه آن کشور است و هرگونه تحدید این حقوق باید با اجازه آن نهاد صورت گیرد. [۳۵]

### **بند دوم - گروههای تروریستی مشمول صدور تاییدیه از جانب وزیر کشور**

به موجب بخش (الف) (۳) ۲۱ قانون ضد تروریسم یک گروه تروریستی برای آنکه مشمول این قانون قرار گیرد، باید تحت کنترل یا اعمال نفوذ اشخاصی خارج از انگلستان باشد. یک تروریست صرفاً شخصی نیست که مستقیماً در تروریسم بین‌المللی وارد شده است بلکه شخصی را که «عضو یا متعلق به یک گروه تروریستی بین‌المللی است» یا «ارتباطاتی» با یک چنین گروهی دارد نیز شامل می‌شود. یک شخص تنها زمانی دارای ارتباطات با یک گروه تروریستی بین‌المللی است که «آن گروه تروریستی را حمایت یا مساعدت نماید». [۳۶] این شرط به خاطر آن گنجانده شده تا کسانی را که از اهداف این گروه طرفداری می‌کنند یا خودشان را در آن اهداف سهیم می‌دانند بدون آنکه ابزارهای آن گروه را برای رسیدن به آن اهداف تامین نمایند مستثنا کند. [۳۷] در واقع این محدودیت ضروری به منظور انطباق با مواد ۱۰ و ۱۱ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر اتخاذ شد. [۳۸]

در زمان تصویب این قانون دادستان کل انگلستان اظهار داشت: « مطابق معیار مندرج در ماده ۱۵ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر اقدامات تهدیدآمیز تهدیدهایی است که نسبت به حیات ملت از جانب القاعده و متحدین آن نشات گرفته اند». [۳۹]

بنابراین قانون ضد تروریسم تنها تهدید از جانب بیگانگان مضمون به داشتن ارتباط با القاعده یا شبکه های متحد آن را مهار کرده است. این امر در قضیه (M) نیز تایید شده است. (M) یک عضو مخالف لیبیایی ضد قذافی بود که در انگلستان اقامت داشت. در سال ۲۰۰۲ به دلیل عدم امکان بازگرداندن او به لیبی به علت خطری که نسبت به امنیت او در صورت

بازگشت وجود داشت، به دستور وزیر کشور بازداشت شد. در ۸ مارس ۲۰۰۴، کمیسیون ویژه استیناف مهاجرتی تشخیص داد که هیچ گونه قرینه ای وجود ندارد تا از یک سوءظن معقول حمایت نماییم که حضور (M) در انگلستان یک تهدید نسبت به امنیت ملی

است. [۴۰] دیوان استیناف نیز رای کمیسیون ویژه استیناف مهاجرتی را تایید نمود. [۴۱]

### بررسی قانون ضد تروریسم انگلستان (قسمت دوم)

مبحث سوم

تبعیض آمیز بودن قانون ضد تروریسم

بند اول - غیر قابل توجیه بودن تبعیض اعمال شده از لحاظ حقوقی

بخش ۲۲ قانون ضد تروریسم اجازه می‌دهد تا هر یک از احکام قانون مهاجرت (۱۹۷۱)

که می‌تواند به عدم ورود و یا انتقال یک شخص از انگلستان منجر شود علیه یک

تروریست بین‌المللی مظنون اتخاذ شود، اگرچه این حکم نتواند بنا به دلایل حقوقی یا

عملی به انتقال یک شخص از انگلستان منتج شود. [۴۲] گنجاندن یک عنصر قانون

مهاجرت به این تمهید، بدین معناست که قانون ضد تروریسم تنها به کسانی که تبعه

انگلستان نیستند اعمال خواهد گردید. [۴۳]

یکی دیگر از ایراداتی که به این قانون وارد می‌باشد تبعیض آمیز بودن بخش ۲۲ این قانون

است؛ زیرا این قانون تنها نسبت به اتباع غیرانگلیسی اعمال می‌شود. به عبارت دیگر، با

وجود خطری که از جانب اتباع انگلیسی وجود دارد این امکان به موجب قانون

ضد تروریسم موجود نیست تا بتوان شکایاتی را بنا به همان دلایلی که برای بازداشت‌های

غیرملی وجود دارد علیه آنها اقامه نمود. [۴۴]

ماده ۲۶ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی [۴۵] تبعیض را چه در قانون و چه در عمل

در هر زمینه تنظیم شده یا مورد حمایت مقامات عمومی منع می‌نماید. [۴۶] بنابراین ماده ۲۶

به تعهدات تحمیل شده بر دولتهای عضو در رابطه با قانون و اعمال آن مربوط می‌شود؛

از این رو زمانی که قانونی توسط یک دولت عضو وضع می‌شود، آن قانون باید شرط

مندرج در ماده ۲۶ را که محتوای آن نباید تبعیض آمیز باشد برآورده نماید. [۴۷] همچنین

اصل عدم تبعیض در ماده ۱۴۰ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر [۴۸] نیز تصریح شده است.

بنابراین رویه دولت انگلستان در اعمال تبعیض میان شهروندان بریتانیایی و غیربریتانیایی در مغایرت با ماده ۲۶ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و ماده ۱۴ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر می‌باشد.

بند دوم - غیر قابل توجیه بودن تبعیض اعمال شده از لحاظ عملی

وزیر کشور بریتانیا بیان داشته که تهدید از جانب گروه‌های تروریستی مرتبط با القاعده عمدتاً از طرف بیگانگان است، ولی دلایل عمده‌ای وجود دارد که این قضیه اکنون صحت ندارد. [۴۹] برای نمونه بمب‌گذاری‌های انتحاری که در می ۲۰۰۳ در انگلستان

توسط اتباع بریتانیایی به وقوع پیوست ثابت نمود که تهدید از جانب شهروندان انگلیسی نیز جدی است. [۵۰] علاوه بر این، براساس آمارها تقریباً ۳۰ درصد مظنونان قانون تروریسم ۲۰۰۰ در سال گذشته (۲۰۰۲) بریتانیایی بوده‌اند. [۵۱]

#### مبحث چهارم

بازداشت مظنونان تروریستی به موجب قانون ضد تروریسم

بند اول - نادیده گرفتن ضرورت تفهیم اتهام در زمان بازداشت

به موجب بخش ۲۳ قانون ضد تروریسم، وزیر کشور می تواند اشخاص مظنون به فعالیتهای تروریستی را در صورتی که امکان اخراج آنها بنا به دلایل حقوقی یا عملی وجود نداشته باشد بازداشت نماید. همچنین مظنونانی که تحت بازداشت قرار می گیرند، با هیچ گونه

اتهام خاصی مواجه نمی شوند و همه دلایل، علیه آنها ارائه نمی شود، به علاوه فرصت رد آن دلایل نیز به آنها داده نمی شود. [۵۲] این امر اساساً یک محدودیت مهم در فرآیند رسیدگی ترافیعی است و خطر جریان سوء قضائی را افزایش می دهد. [۵۳] این رویه با تعهدات بین المللی انگلستان در خصوص ضرورت تفهیم اتهام در زمان بازداشت، مندرج در بند (۲) ماده ۹ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی و بند (۲) ماده ۵ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر [۵۴] نیز معارض می باشد.

علاوه بر این، ضرورت تفهیم اتهام در رویه قضائی دیوان و کمیسیون اروپایی حقوق بشر نیز مورد تاکید قرار گرفته است. برای نمونه در قضیه ای که خانمی به نام مارگارت مورای توسط نظامیان در منزلش بدون اینکه آنها علت بازداشت را به وی اطلاع دهند دستگیر

شده بود، کمیسیون اروپایی حقوق بشر بعد از شکایت خانم مارگارت مورای علیه انگلستان در ۱۰ دسامبر ۱۹۸۱ دادخواست او را قابل پذیرش دانست و موضوع را از موارد

اعمال بند (۲) ماده ۵ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر تلقی کرد. [۵۵]

**بند دوم - نامعین بودن مدت بازداشت**

به موجب بخش ۲۳ قانون ضد تروریسم وزیر کشور می تواند اشخاص مظنون به فعالیت های تروریستی را برای مدتی نامعین بازداشت نماید. در مورد اینکه آیا بازداشت نامعین می تواند منجر به شکنجه یا رفتار غیر انسانی در مغایرت با ماده ۳ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر [۵۶] یا ماده ۷ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی [۵۷] گردد، تفسیر عمومی شماره ۲۰ کمیته حقوق بشر در سال ۱۹۹۲ اظهار می دارد: «کمیته خاطر نشان می کند که محدودیت انفرادی طولانی مدت شخص بازداشتی یا زندانی می تواند منتهی به اعمال ممنوعه به موجب ماده ۷ یعنی منع شکنجه یا رفتارهای ظالمانه و غیر انسانی گردد». [۵۸]

همچنین در همان تفسیر عمومی مقرر شده است: «قصد مقررات ماده ۷ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی این است تا هم از حیثیت و هم از تمامیت جسمی و ذهنی شخص حمایت نماید...». [۵۹] علاوه بر این، ممنوعیت مندرج در ماده ۷ میثاق مذکور نه تنها به اعمالی که سبب رنج جسمانی می شوند بلکه به اعمالی که سبب رنج روحی به قربانی می شوند نیز مرتبط است. [۶۰]

حتی اگر معتقد باشیم که بازداشت طولانی مدت (نامعین) بر تمامیت جسمانی بازداشت شدگان تاثیر چندانی ندارد، شواهدی وجود دارد که نشان می دهد، این نوع بازداشت بر تمامیت روحی بازداشت شدگان موثر بوده است.

در ۹ ژوئن ۲۰۰۵ کمیته اروپایی پیشگیری از شکنجه و رفتار یا مجازات غیر انسانی یا تحقیر آمیز ([CPT]۶۱) به درخواست دولت انگلیس، گزارش خود در مورد بازدید از

انگلستان در مارس ۲۰۰۴ را منتشر نمود. این کمیته بر رفتار با اشخاص بازداشت شده به موجب قانون ضد تروریسم ۲۰۰۱ متمرکز شد و توجه خاصی را به تأثیر شرایط بازداشت بر سلامت جسمی و روحی بازداشت شدگان معطوف نمود. این گزارش اظهار می‌دارد:

« تعداد زیادی از بازداشت شدگان در وضعیت روحی نامطلوب، به عنوان نتیجه‌ای از بازداشت خودشان، به سر می‌برند و همچنین بعضی در شرایط نامطلوب جسمانی بودند. بازداشت سبب اختلالات روحی در اکثریت بازداشت شدگان شده است زیرا بازداشت با فقدان کنترل قضائی ناشی از خصیصه نامعین بودن بازداشت آنها و این حقیقت که اطلاعی ندارند که چه دلیلی علیه آنها مورد استناد واقع شده تا نشان دهد که این اشخاص مظنون به تروریسم بین‌المللی می‌باشند، آمیخته شده است». در ادامه کمیته تشخیص داد که « برای بعضی از بازداشت شدگان، وضعیت آنها در زمان بازدید را می‌توان منتهی به رفتار غیرانسانی و تحقیرآمیز در نظر گرفت». [۶۲]

بنابراین حتی با خوش‌بینانه‌ترین دیدگاه، نامعین بودن مدت بازداشت حداقل به آسیب روحی و روانی در مغایرت با ماده ۳ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر می‌انجامد. احترام به حیثیت ذاتی افراد در زمان بازداشت از سوی دیوان اروپایی حقوق بشر حتی در موارد تروریستی نیز مورد تأیید قرار گرفته است. برای نمونه دیوان در قضیه

Chahal<sup>۱۱</sup> چنین اظهار می‌کند:



« دیوان به خوبی از دشواری‌های عمده فراروی دولتها در عصر جدید برای حمایت از جوامع خودشان از خشونت تروریست آگاه است. در هر حال، حتی در این اوضاع و احوال، کنوانسیون در شرایط مطلقی شکنجه یا رفتار یا مجازات غیرانسانی یا تحقیرآمیز را بدون توجه به رفتار قربانی ممنوع می‌نماید.» [۶۳]

همچنین تفسیر عمومی شماره ۲۱ کمیته حقوق بشر (۱۹۹۲) اظهار می‌دارد: « رفتار با همه اشخاص محروم از آزادی توأم با انسانیت و احترام به حیثیتشان یک قاعده بنیادین و قابل اعمال در سطح جهانی است.» [۶۴]

مدت زمان بازداشت‌هایی که به موجب بخش ۲۳ قانون ضد تروریست انجام می‌شوند، براساس شواهدی تا سه سال و نیم به طول انجامیده است. [۶۵]

معیاری که برای طول مدت بازداشت در بند (۳) ماده ۵ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر [۶۶] و رویه قضائی دیوان اروپایی حقوق بشر در نظر گرفته شده، مهلت معقول است. مهلت معقول مفهومی است که می‌تواند از پرونده‌ای به پرونده دیگر، با توجه به ویژگیهای

خاص هر پرونده متفاوت باشد. [۶۷] رویه دیوان اروپایی حقوق بشر در خصوص ارزیابی معقول بودن مدت بازداشت آن است که بر دلایل ارائه شده از سوی مقامات ملی برای توجیه سلب آزادی از متهم تاکید می‌نماید. [۶۸] در رای ومهوف [۶۹] علیه جمهوری فدرال آلمان، دیوان به صراحت بیان می‌دارد که «شیوه ارزیابی کمیسیون را پذیرا

نیست» [۷۰] و معتقد است که قبل از طرح دعوا نزد نهادهای استراسبورگ (دیوان و کمیسیون اروپایی حقوق بشر) باید ادعای نقض بند (۳) ماده ۵ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر در داخل کشورهای عضو و با مراجعه به مقامات ذیصلاح دولت متعاهد مطرح و به تصمیمی قطعی منجر شده باشد، چه در واقع امر، این بر عهده مقامات قضائی هر کشور است که با توجه به دلایل موجود، بازداشت موقت متهم را در هر مورد با استناد به وجود نفعی عمومی توجیه کنند و دقیقاً با عنایت به دلایل ابرازی از سوی مقامات قضائی ملی است که دیوان قادر است نسبت به نقض احتمالی بند (۳) ماده ۵ آن کنوانسیون اظهار نظر کند. [۷۱] در رای نومایستر [۷۲] نیز دیوان بر ضرورت توجیه بازداشت موقت از طرف مقامات داخلی کشورهای عضو تاکید می‌ورزد و اضافه می‌کند که دیوان فقط در پرتو دلایل ابرازی از طرف مقامات قضائی داخلی از یک سو و واقعیتهای مورد تایید خواهان، از سوی دیگر، قادر است نسبت به بررسی این امر که آیا نقض بند (۳) ماده ۵ کنوانسیون مزبور صورت پذیرفته است یا خیر، اظهار عقیده کند. [۷۳]

با وجود اینکه قانون ضد تروریسم، مدتی را برای بازداشت تعیین ننموده ولی در هر حال به میزان زیادی این احتمال وجود دارد که مدت بازداشت از مهلت معقول به موجب بند (۳) ماده ۵ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر و رویه قضائی دیوان اروپایی حقوق بشر تجاوز نماید و با آنها معارض گردد. این موضوع زمانی بیشتر مورد تایید قرار می‌گیرد که مطابق

با تفسیر عمومی شماره ۸ کمیته حقوق بشر «بازداشت پیش از محاکمه، یک امر استثنائی است و باید تا حد ممکن کوتاه باشد».[۷۴]

علاوه بر این، کمیته امحای تبعیض نژادی[۷۵] نیز نگرانی خود را از مقررات قانون ضد تروریسم در خصوص بازداشت نامعین بدین نحو ابراز می‌دارد:

« کمیته عمیقاً در مورد مقررات قانون ضد تروریسم که بازداشت نامعین و بدون اتهام یا محاکمه اتباع غیرانگلیسی در انتظار اخراج را که مظنون به فعالیتهای تروریستی هستند مقرر می‌کند، نگران شده است. کمیته در عین حالی که نگرانیهای امنیت ملی این دولت

عضو را تصدیق می‌نماید، توصیه می‌کند که این دولت عضو، تعادل بین آن نگرانیها را با حمایت از حقوق بشر و تعهدات حقوقی بین‌المللی خودش مدنظر قرار دهد».[۷۶]

با توجه به انتقاداتی که از رژیم بازداشت نامعین به موجب قانون ضد تروریسم به عمل آمد، نهایتاً در دسامبر ۲۰۰۴ کمیته قضائی مجلس لردهای انگلیس با اکثریت هشت موافق در برابر یک مخالف حکم داد که بازداشت نامعین مظنونان با قانون حقوق بشر انگلستان و

کنوانسیون اروپایی حقوق بشر مغایر است.[۷۷]

بنابراین، با توجه به مطالب فوق قائل شدن مدت نامعین برای بازداشت به موجب قانون ضد تروریسم با موازین عدالت و تعهدات بین‌المللی انگلستان ناسازگار است.

مبحث پنجم

## ارزیابی کمیسیون ویژه استیناف مهاجرتی

### از منظر اصول دادرسی منصفانه

#### بند اول - دلایل ایجاد کمیسیون ویژه استیناف مهاجرتی

کمیسیون ویژه استیناف مهاجرتی ابتدائاً به وسیله قانون کمیسیون ویژه استیناف مهاجرتی ۱۹۹۷ [۷۸] متعاقب رای دیوان اروپایی حقوق بشر در قضیه « چاهال » علیه انگلستان (۱۹۹۶) به دلیل انتقاد از فقدان یک مرحله استیناف نزد دادگاه مستقل در حقوق انگلیس، در صورتی که یک تصمیم مهاجرتی (از قبیل رد اجازه اقامت یا تصمیم به اخراج یک

شخص) بر دلایل امنیت ملی یا سیاسی مبتنی باشد، ایجاد شد. [۷۹]

به موجب بخش ۲۵ قانون ضد تروریسم، یک تروریست مظنون بین المللی می تواند به کمیسیون ویژه استیناف مهاجرتی در خصوص تاییدیه صادره علیه خودش مطابق با بخش ۲۱ شکایت نماید و این کمیسیون موظف است تا رسیدگی نماید که آیا دلایل معقولی برای سوءظن یا اعتقاد وزیر کشور به موجب بخش (۱) ۲۱ [۸۰] وجود دارد که حضور آن

شخص در انگلستان تهدیدی علیه امنیت ملی می باشد و اینکه آیا آن شخص یک تروریست بین المللی می باشد یا خیر؟ [۸۱]

بند دوم - میزان احترام به حقوق دفاعی متهم در کمیسیون ویژه استیناف مهاجرتی

ماده ۶ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر [۸۲] که با عبارت « هر شخص حق دارد...» آغاز می شود، ضوابط ناظر بر یک دادرسی منصفانه را ارائه می دهد؛ از این موضوع چنین نتیجه گرفته می شود که تمامی اشخاص، از هر قشر و گروهی شایستگی برخورداری از چنین دادرسی را دارند.

دیوان اروپایی حقوق بشر در قضیه‌ای معروف به « لالس» [۸۳] علیه کشور ایرلند کلیتی که بند (۱) از ماده ۶ ناظر بر آن است را مدنظر قرار داده است. در این قضیه فردی ایرلندی به نام لالس که عضو ارتش جمهوریخواه ایرلند بود از ۳ ژوئیه تا ۱۱ دسامبر ۱۹۷۵ به مدت ۶ ماه به استناد قانونی خاص در یک کمپ نظامی تحت بازداشت قرار می گیرد. در طول این مدت او هرگز نزد قاضی هدایت نمی شود. در رسیدگی به شکایت لالس، دیوان موگداً بر این امر تصریح می کند که حق برخورداری از امتیازات مندرج در مواد ۵، ۶ و ۷ کنوانسیون شامل حال « همه افراد» می گردد، حتی اگر فرد « تروریستی» باشد که با دولت متعاقد خصومت پیشه کرده است. [۸۴]

علاوه بر این، بند (۳) از بخش (IX) خطوط راهنمای شورای اروپا در مورد حقوق بشر و مبارزه با تروریسم مقرر می نماید:

« ضرورت جنگ علیه تروریسم در عین حال نمی تواند محدودیتهای معینی را به حق دفاع مخصوصاً در رابطه با:

۱- ترتیبات برای دسترسی و تماس با وکیل؛

۲- ترتیبات برای دسترسی به متن پرونده؛

۳- استفاده از شهود بی نام ایجاد نماید». [۸۵]

البته دیوان اروپایی حقوق بشر بعد از قضیه لالس قدری در رویه خود با انعطاف عمل کرده و تشخیص داده است که مبارزه موثر علیه تروریسم مستلزم آن است تا بعضی تصمیمات یک دادرسی منصفانه بتوانند با قدری انعطاف تفسیر شوند. [۸۶] برای نمونه دیوان استفاده از شهود بی نام را همیشه غیر منطبق با کنوانسیون اروپایی حقوق بشر

نمی داند. [۸۷] در موارد معینی مانند تروریسم، شهود باید در برابر هر گونه خطر احتمالی تلافی جویانه ای که می تواند حیات، آزادی یا سلامتی آنها را در معرض خطر قرار دهد

حمایت شوند. [۸۸]

در قضیه ای دیوان چنین اظهار نظر می نماید:

« دیوان علی الاصول و مشروط به اینکه حقوق دفاعی رعایت شود، به مقامات پلیس اجازه می دهد تا در صورت تمایل، هویت مامور به کار گرفته شده در فعالیتهای پنهانی را به خاطر حمایت از او یا خانواده اش و برای اینکه به عملیتهای آینده وی لطمه ای وارد نیاید، افشا

نمایند». [۸۹]

بنابراین رویه کمیسیون ویژه استیناف مهاجرتی در نام نبردن از شهود بنا به دلایل امنیتی و جاسوسی که در پرونده‌های تروریستی وجود دارد مغایرتی با کنوانسیون اروپایی حقوق بشر و رویه قضائی دیوان ندارد.

همچنین علاوه بر امکان بی نام بودن شهود در پرونده‌های تروریستی، دیوان جلوگیری از مکاتبه بین یک زندانی تروریست و وکیل او را در موارد معینی امکان‌پذیر دانسته است. [۹۰]

رویه قضائی دیوان بر مکانیسم‌های جبرانی پافشاری می‌نماید، تا دولتها از اقداماتی که در جنگ علیه تروریسم انجام می‌دهند و از اساس با دادرسی منصفانه مغایر است اجتناب نمایند. [۹۱]

در خصوص موضع نظام حقوقی انگلیس در مورد دسترسی متهم به دلایل جمع‌آوری شده علیه او باید اظهار داشت که این یک اصل مهم به موجب سیستم بریتانیایی عدالت کیفری است که همه دلایل باید در حضور متهم و در یک جلسه علنی به منظور رسیدگی توافقی ارائه شوند. به موجب این سیستم متهم معمولاً حق دارد تا همه دلایل را ملاحظه نماید، حتی اگر دادستان (مقام تعقیب‌کننده) به آن استناد ننماید. [۹۲]

ارائه دلایل به عموم می‌تواند به منافع یک دادرسی توافقی منصفانه خدمت نماید، اما در عین حال این امر می‌تواند، در صورتی که منابع اطلاعاتی مربوطه را آشکار نماید، مخل

مصلحت عمومی باشد و همچنین توانایی برای گردآوری اطلاعات را مختل نماید. [۹۳]

این در حالی است که یک نفع عمومی آشکار در تعقیب تروریستها وجود دارد. [۹۴]

دیوان اروپایی حقوق بشر نیز در این مورد اظهار می‌دارد:

« این امر می‌تواند ضروری باشد تا دلیل معینی را از دفاع توسط متهم برای حفظ حقوق

اساسی اشخاص دیگر یا برای تضمین یک نفع عمومی حذف نماییم. در هر حال تنها آن

اقدامات محدودکننده دفاعی که قطعاً ضروری هستند به موجب بند (۱) ماده ۶ مجاز

می‌باشند». [۹۵]

البته این وظیفه دیوان نیست تا در وهله نخست ارزیابی نماید که آیا تحدید حقوق دفاعی

متهم قطعاً ضروری بوده یا خیر؟ در قضیه‌ای دیوان اروپایی حقوق بشر ابراز عدم ابراز

دلیل به متهم را در صلاحیت دادگاههای ملی می‌داند. [۹۶]

به موجب بخش ۶ قانون کمیسیون ویژه استیناف مهاجرتی (۱۹۹۷)، در مواردی که

ملاحظات امنیتی ایجاب می‌نماید که خواهان و وکیل او در جریان محاکمات حاضر

نباشند، کمیسیون ویژه استیناف مهاجرتی می‌تواند یک وکیل مستقل را انتخاب نماید تا

حقوق خواهان را در این مواقع مورد حمایت قرار دهد. این رویه به رویه «شخص

منتصب» [۹۷] موسوم است. [۹۸]



همچنین در مواقعی که وکیل از دلیل محرمانه‌ای که بر علیه متهم ارائه شده مطلع گردد، دیگر نمی‌تواند با مظنون یا وکیل او ارتباط داشته باشد و این بدین معنی است که مظنون و وکیل او در چنین مواردی دیگر نمی‌توانند به دلیل و شواهدی که امکان دارد بر علیه مظنون اقامه شود دسترسی داشته باشند. [۹۹]

این در حالی است که به موجب جزء (ب) بند (۳) ماده ۱۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، متهم باید زمان و تسهیلات کافی برای ارائه دفاعیه و ارتباط با وکیل خود را داشته باشد. به موجب تفسیر عمومی شماره ۱۳ کمیته حقوق بشر (۱۹۸۴) «آنچه زمان کافی است به شرایط هر پرونده موکول است، اما تسهیلات باید شامل دسترسی به اسناد و ادله دیگری که متهم برای ارائه دفاعیه خودش نیاز دارد و همچنین فرصت برای استخدام و به کارگیری وکیل باشد. وکلا باید بتوانند موکلان خود را مطابق با استانداردهای حرفه‌ای احراز شده‌شان، مشاوره و نمایندگی کنند و تصمیم‌گیری باید بدون هر گونه محدودیت، اعمال نفوذ، فشار یا مداخله غیرموجه از جانب هر طرف انجام شود». [۱۰۰]

با ملاحظه مطالب فوق مشخص می‌شود که قانون ضد تروریسم، در مقابل محدودیتهایی که بر حقوق دفاعی متهم نسبت به یک دادرسی منصفانه وارد نموده، راه حل جبرانی مناسبی را ارائه نداده تا هم انطباق با ماده ۶ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر آن گونه که

رویه قضائی دیوان اروپایی حقوق بشر آن را تفسیر نموده تامین شود و هم به اصل تساوی  
سلاحها که یک قاعده بنیادین در سیستم ترافیکی رسیدگی به دعاوی به موجب نظام حقوقی  
انگلیس است احترام گذارده شود.

بررسی قانون ضد تروریسم انگلستان (قسمت سوم)

**بند سوم - ارزیابی دلایل به کار گرفته شده توسط کمیسیون ویژه استیناف**

**مهاجرتی**

استاندارد دلیل به کار گرفته شده در رویه کمیسیون ویژه استیناف مهاجرتی بسیار پایین

است. بدین ترتیب که استاندارد دلیلی که کمیسیون بر مبنای آن رسیدگی می کند و در

نهایت به این سوال پاسخ می دهد که آیا تاییدیه صادره از سوی وزیر کشور مشروع است

یا خیر « اعتقاد و سوءظن معقول» [۱۰۱] است و نه «ماحصل احتمالات» [۱۰۲] که از

استاندارد «ورای هرگونه شک معقول» [۱۰۳] نیز دارای ارزش حقوقی کمتری است. [۱۰۴]

این در حالی است که بر اساس حقوق انگلستان، قاضی در امور جزایی مکلف است بر

مبنای قاعده «فراسوی هرگونه تردید معقول» که ریشه در کامن لا دارد تصمیم گیری

نماید. در امور مدنی نیز تصمیم گیری بر مبنای قاعده «ماحصل احتمالات» است. [۱۰۵]

در واقع به موجب قانون ضد تروریسم، مسئولیت وزیر کشور در اثبات دست داشتن یک

شخص در فعالیتهای تروریستی بسیار پایین است. همچنین قواعد جاری کمیسیون ویژه

استیناف مهاجرتی، وزیر کشور را متعهد نکرده است تا همه دلایلی را که توانسته به سوءظن او کمک نماید، حتی به شکل اختصاری ارائه کند. [۱۰۶]

### مبحث ششم

ارزیابی دلایل مورد استفاده در رسیدگی به پرونده‌های تروریستی  
به موجب قانون ضد تروریسم

### بند اول - ارزیابی استفاده از اطلاعات محرمانه در دادگاههای انگلیس

در ابتدا ضروری به نظر می‌رسد تا تعریفی از «دلیل» ارائه دهیم. در دایره‌المعارف بریتانیکا،

«دلیل» در لغت به معنی راهنما و نشانه است و در اصطلاح وقایعی است که به ذهن کسی

متبادر می‌شود تا به یاری آنها بتواند در موضوع مورد اختلاف اتخاذ تصمیم نماید. [۱۰۷]

به طور کلی «دلیل» در امور کیفری عبارت است از: «هر وسیله قانونی که مقامات قضائی

را در کشف حقیقت و حصول اقناع وجدانی و اتخاذ تصمیم عادلانه یاری بخشد». [۱۰۸]

دولت انگلیس موضوع ممنوع نبودن استفاده از مکالمات مورد بازرسی به عنوان دلیل در

دادگاهها را، زمانی که قانون تنظیم اختیارات تفتیشی (۲۰۰۰) [۱۰۹] را جایگزین قانون

بازرسی مکاتبات ۱۹۸۵ [۱۱۰] نمود، پذیرفت. [۱۱۱]

نکته جالب توجه آن است که در حال حاضر انگلستان و ایرلند تنها کشورهای غربی هستند که ممنوعیت استفاده از مکالمات بازرسی شده به عنوان دلیل در دادگاهها را حفظ کرده‌اند. [۱۱۲] با این حال اجماع قابل توجهی وجود دارد که این ممنوعیت یک واکنش

نامتناسب نسبت به نگرانی به حق ناشی از افشای منابع یا روشهای جاسوسی است. دولت

انگلیس استدلال می‌نماید که در زمان حاضر تعقیب بعضی از اشخاصی که به دست داشتن

آنها در تروریسم مظنون است میسر نیست، زیرا دلایل محرمانه قانوناً نمی‌توانند در

دادگاهها مورد استفاده واقع شوند. [۱۱۳] با توجه به اینکه تهدید از جانب تروریسم باید از

طریق سیستم عدالت کیفری برآورده شود، [۱۱۴] برطرف نمودن چنین ممنوعیتی امکان

تعقیب مظنونان تروریستی را به نهادهای قضائی می‌دهد و در نتیجه از بسیاری از اقدامات

خودسرانه قوه مجریه در زمینه مبارزه با تروریسم جلوگیری می‌نماید.

دیدگاه دیوان اروپایی حقوق بشر نیز در مورد اینکه آیا می‌توان از اطلاعات محرمانه در

رسیدگی‌های قضائی استفاده نمود یا خیر مثبت است. دیوان در قضیه‌ای چنین اظهار

می‌دارد:

« دیوان در وهله نخست نظر مثبت خودش را در خصوص استفاده از اطلاعات محرمانه در

مبارزه با خشونت و تروریسم تکرار می‌نماید. [۱۱۵] با این حال دیوان نظارت دادگاههای

داخلی و نهادهای کنوانسیون را شرط اعمال این اختیار می‌داند. « در هر حال این بدان

معنی نیست که مقامات تحقیق به موجب ماده ۱ چک سفید دارند تا مظنونان را برای

بازجویی بدون کنترل موثر توسط دادگاههای داخلی یا توسط نهادهای نظارتی کنوانسیون، در زمانی که آنها (مقامات) ادعا می کنند که مظنونان در اقدامات تروریستی دست داشته اند، دستگیر نمایند» [۱۱۶]

علاوه بر این، اصل تحصیل آزادانه دلیل که در امور کیفری بر خلاف امور مدنی به منظور مبارزه موثر علیه بزهکاری پذیرفته شده است [۱۱۷] نیز تاییدی بر این امر است که می توان از دلایل محرمانه در رسیدگی های کیفری در صورتی که منع قانونی نداشته باشد [۱۱۸] و آن دلیل نیز به طریق قانونی تحصیل شده باشد، [۱۱۹] استفاده نمود.

### **بند دوم - ارزیابی استفاده از دلایل حاصل از شکنجه در محاکم انگلیس**

موضوع دیگری که باعث بروز نگرانی هایی شده، آن است که امکان دارد بعضی از موضوعات که وزیر کشور برای اثبات سوءظن خود به آنها استناد کرده است، از طریق شکنجه یا رفتارهای دیگر مغایر با ماده ۳ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر و ماده ۷ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی حاصل شده باشد. [۱۲۰] کمیسیون ویژه استیناف مهاجرتی دیدگاه غیرقابل پذیرشی را در مورد ارزش و قابلیت استماع دلایلی که به این نحو حاصل شده اند اتخاذ کرده است. [۱۲۱] به عقیده کمیسیون ویژه استیناف مهاجرتی هیچ قاعده ای وجود ندارد تا مستثنا کردن این دلایل را مقرر نماید. [۱۲۲] به این ترتیب وزیر کشور

می تواند به چنین اطلاعاتی استناد نماید. براساس این دیدگاه دلایلی که وزیر کشور از طریق شکنجه جمع آوری کرده، در صورت صحت آنها، معتبر است. [۱۲۳]

لازم به ذکر است که در برخی موارد در عمل ملاحظه می شود، دلیلی که بدون رعایت

ضوابط قانونی یا ضمن نقض آن ضوابط تحصیل شده در به اثبات رساندن جرم بسیار

اهمیت دارد. [۱۲۴] در خصوص ارزش اثباتی چنین دلایلی، مقررات یکسانی در

کشورهای مختلف وجود ندارد و رویه قضائی از تشتت فراوانی برخوردار است. [۱۲۵] در

بین کشورهای اروپای غربی، ایتالیا در ماده ۱۹۸ آیین دادرسی کیفری خود سرسخت ترین

موضع را در ارتباط با دلایل تحصیل شده از طریق غیرقانونی اتخاذ کرده است: «دلیلی که

با نقض ممنوعیت های قانونی تحصیل شود فاقد اعتبار است». [۱۲۶]

در انگلیس ممنوعیت مطلق در خصوص استفاده از دلایلی که به طریق غیرقانونی به دست

آمده اند، وجود ندارد. ماده ۷۸ «قانون ادله کیفری» ۱۹۸۴ [۱۲۷] در خصوص دلایلی که

از طریق غیرقانونی (مانند عدم حضور وکیل مدافع در تحقیقات پلیس) تحصیل شده

باشند، دادگاهها را مجاز به معتبر شناختن یا رد این گونه دلایل دانسته است و ظاهراً

دادگاههای انگلیس خیلی تمایل به مردود نمودن قراین محکمی که به طرق غیرقانونی

تحصیل شده باشند، ندارند. [۱۲۸]

اما در خصوص رویه کمیسیون ویژه استیناف مهاجرتی در مورد پذیرفتن دلایلی که از طریق شکنجه یا رفتارهای دیگر در مغایرت با ماده ۳ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر حاصل شده‌اند، این موضوع با مشروعیت شکنجه ملازمت می‌یابد که به موجب ماده ۳

کنوانسیون اروپایی حقوق بشر و ماده ۷ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی به‌طور مطلق ممنوع شده است. اهمیت ممنوعیت شکنجه و سایر رفتارهای غیرانسانی و تحقیرآمیز تا بدان جاست که ماده (۲) کنوانسیون ملل متحد علیه شکنجه (۱۹۸۴) تصریح می‌نماید که هیچ‌گونه وضعیت استثنائی، خواه یک وضعیت جنگی یا یک تهدید جنگی، تغییرات سیاسی در ثبات داخلی یا هر وضعیت اضطراری عمومی دیگری نمی‌تواند به‌عنوان توجیه

شکنجه استناد شود. تفسیر عمومی شماره ۲۰ کمیته حقوق بشر (۱۹۹۲) نیز بر استثناء ناپذیری این ممنوعیت تاکید می‌ورزد. [۱۲۹]

امروزه اصل احترام به حقوق و آزادیهای اساسی بشر در زمره مصادیق بارز قواعد آمره از نظر حقوق بین‌الملل به‌شمار می‌روند. [۱۳۰] بدون شک یکی از حقوق بنیادین بشر

ممنوعیت شکنجه و دیگر رفتارها یا مجازاتهای غیرانسانی و تحقیرآمیز است که به‌موجب کلیه اسناد بین‌المللی مربوطه اعمال آن به هر شکلی ممنوع گردیده و هیچ‌گونه توجیه یا استثنائی نیز برای توسل به آن وجود ندارد و در زمره قواعد غیرقابل تعلیق خواه به‌موجب میثاق یا کنوانسیون اروپایی حقوق بشر به‌شمار می‌رود. تفسیر عمومی شماره ۲۹ کمیته

حقوق بشر (۲۰۰۱) نیز در تایید این موضوع چنین اظهار می‌نماید:

« اعلام مقررات معین میثاق در بند (۲) ماده ۴ که دارای یک ماهیت غیرقابل تعلیق می باشند شناسایی کننده ماهیت آمرانه بعضی حقوق اساسی ارج نهاده شده در چارچوب معاهده میثاق است.» [۱۳۱]

« بنابراین دولتهای عضو در نبرد علیه تروریسم هرگز نباید در مغایرت با قواعد آمره حقوق بین الملل و همچنین حقوق بین الملل بشردوستانه در جایی که قابل اعمال است، عمل نمایند.» [۱۳۲]

با توجه به توضیحات فوق و نظر به اهمیتی که قاعده ممنوعیت شکنجه در حقوق بین الملل دارد، ماده ۱۵ کنوانسیون منع شکنجه (۱۹۸۴) مقرر نموده است:

« هر دولت عضو باید تضمین نماید که هر گونه اقراری که ثابت شده در نتیجه شکنجه حاصل شده است، نباید به عنوان دلیل در هر مرحله از محاکمات مورد استناد واقع شود، مگر علیه شخص متهم به شکنجه به عنوان دلیلی که این اظهاریه (بدین نحو) تحصیل شده است.»

تفسیر عمومی شماره ۲۰ کمیته حقوق بشر (۱۹۹۲) نیز این موضوع را که قانون باید قابلیت استماع اظهارات یا اقراری را که از طریق شکنجه یا دیگر رفتارهای ممنوعه حاصل شده اند ممنوع کند مورد تاکید قرار داده است. [۱۳۳]



در حقوق داخلی انگلیس نیز همان گونه که قبلاً اشاره شد، اگرچه ممنوعیت مطلق در استفاده از دلایلی که به طریق غیرقانونی تحصیل شده‌اند وجود ندارد، ولی به موجب ماده ۷۶ «قانون ادله کیفری» ۱۹۸۴ استفاده از اقراری که نتیجه اعمال فشار باشد ممنوع اعلام

شده است. از این قاعده در حقوق آنگلو ساکسون به عنوان «ممنوعیت اجبار متهم به ادای

شهادت علیه خود» تعبیر شده است. [۱۳۴]

علاوه بر این، حتی اگر چنین ممنوعیتی در حقوق داخلی انگلیس نیز وجود نمی‌داشت، از آنجایی که انگلستان در زمره کشورهای است که از نظریه «یگانگی حقوقی» با برتری

حقوق بین‌الملل قراردادی بر «حقوق داخلی» پیروی می‌کند، [۱۳۵] در صورتی که تعارضی

میان قواعد حقوق داخلی با تعهدات بین‌المللی آن کشور حادث شود، دادگاههای

انگلستان تفوق را به حقوق بین‌الملل می‌دهند و تعهدات ناشی از معاهدات بین‌المللی را بر

قواعد حقوق داخلی مقدم می‌دارند.

بنابراین، رویه اخیر دولت انگلستان در مورد پذیرش دلایل حاصله از طریق شکنجه و سایر

رفتارهای مغایر با ماده ۳ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر در موارد تروریستی با تعهدات

بین‌المللی آن کشور و اساساً با جوهره نظام حقوقی بریتانیا در تعارض آشکار قرار دارد.

**نتیجه گیری**

در پایان با توجه به بررسی انطباق یا عدم انطباق قانون ضدتروریسم ۲۰۰۱ انگلیس با موازین حقوق بشری مطالب ذیل را نتیجه گیری می نمایم:

۱- در مورد صدور اعلامیه تعلیقی از جانب انگلستان نسبت به میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی و کنوانسیون اروپایی حقوق بشر باید متذکر گردیم که حتی اگر صدور اعلامیه های تعلیقی به دلیل بازداشت بدون چشم انداز فوری یا بازداشت پیشگیرانه مشروع باشد، رویه تبعیض آمیزی که به موجب این قانون نسبت به اتباع بریتانیایی و غیربریتانیایی در پیش گرفته شده در مغایرت آشکار با تعهدات انگلستان به موجب اسناد و کنوانسیون های بین المللی حقوق بشر است.

۲- در خصوص اختیار وزیر کشور در صدور تاییدیه، با توجه به تحدیداتی که در اثر آن بر حقوق و آزادیهای فردی مظنون اعمال می شود، این امر با موازین عدالت سازگاری ندارد، زیرا اختیار تحدید حقوق و آزادیهای فردی معمولاً باید به یک نهاد بی طرف که قاعدتاً نهاد قضائی هر کشوری می باشد تفویض گردد.

۳- رویه تبعیض آمیزی که به موجب قانون ضدتروریسم در مورد اتباع بیگانه در پیش گرفته شده، هم از لحاظ حقوقی و هم از لحاظ عملی غیر قابل توجیه است و با تعهدات بین المللی انگلستان راجع به ممنوعیت اعمال هر گونه تبعیض نیز مغایر می باشد.

۴- عدم توجه قانون ضد تروریسم نسبت به ضرورت تفهیم اتهام و معقول بودن مدت بازداشت، با استانداردها و موازین حقوق بشری که در این زمینه وجود دارد منافای است و سبب آن می گردد که مضمون به طور خودسرانه و به مدت طولانی از آزادی محروم شود.

۵- عدم رعایت اصول دادرسی منصفانه در رسیدگی های مطروحه نزد کمیسیون ویژه استیناف مهاجرتی فرصت نیل به حقیقت را از میان می برد و لزوم رعایت اصل تساوی سلاحها میان طرفین دعوا را مخدوش می نماید و نهایتاً در اغلب موارد منجر به صدور احکام غیر عادلانه از سوی کمیسیون ویژه استیناف مهاجرتی می گردد.

۶- از میان برداشتن ممنوعیتی که در استفاده از دلایل محرمانه در رسیدگی های کیفری نزد دادگاهها وجود دارد این امکان را به دستگاه عدالت کیفری بریتانیا می دهد تا در تعقیب مضمونان تروریستی نقش فعالی را ایفا نماید و از اقدامات خودسرانه قوه مجریه جلوگیری کند. همچنین رویه ای که درباره پذیرش دلایل حاصله از شکنجه توسط کمیسیون ویژه استیناف مهاجرتی اتخاذ شده در مغایرت آشکار با قواعد بنیادین حقوق بشری راجع به ممنوعیت شکنجه است.

.\* (Anti-Terrorism, Crime and Security Act ۲۰۰۱) (ATCSA).()

.\* . دانشجوی دکتری حقوق بین الملل دانشگاه تهران.

\*\*\* . دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق بشر دانشگاه تهران.

\*.Certification

\*\*. (Special Immigration Appeal Commission (SIAC

۱. ماده ۱۵ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر:

«۱- در زمان جنگ یا وضعیت اضطراری عمومی دیگری که تهدید کننده حیات ملت باشد، هر دولت معظم متعهد می تواند از تعهدات خودش به موجب این کنوانسیون تا میزانی که دقیقاً به وسیله مقتضیات آن وضعیت مورد نیاز باشد، عدول نماید مشروط به اینکه چنین اقداماتی با تعهدات دیگر آن به موجب حقوق بین الملل ناسازگار نباشد.

۲- هیچ تعلیقی نباید از ماده ۲، مگر در مورد مرگهای ناشی از اعمال مشروع جنگی، یا از مواد ۳-۴ (بند ۱) و ماده ۷ به موجب این مقررہ انجام شود.

۳- هر دولت معظم متعهد که از حق تعلیق استفاده می کند باید دبیر کل شورای اروپا را به طور کامل از اقداماتی که انجام داده و دلایل استناد به این اقدامات مطلع نماید. آن دولت همچنین باید دبیر کل شورای اروپا را در زمانی که چنین اقداماتی متوقف شده اند و مقررات کنوانسیون مجدداً به طور کامل اجرا می شوند، مطلع نماید».

۲. ماده ۴ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی:

«۱- هر گاه يك خطر عمومی استثنائی (فوق العاده) موجودیت ملتی را تهدید کند و این خطر رسماً اعلام شود، کشورهای طرف این میثاق می توانند تدابیری خارج از الزامات مقرر در این میثاق را به میزانی که آن وضعیت حتماً ایجاب می نماید اتخاذ نمایند مشروط بر اینکه تدبیر مزبور با سایر الزاماتی که طبق حقوق بین الملل به عهده دارند مغایرت نداشته باشد و منجر به تبعیضی منحصر بر اساس نژاد، رنگ، جنس، زبان، اصل و منشا مذهبی یا اجتماعی نشود.

۲- حکم مذکور در بند فوق هیچ گونه انحراف از مواد ۶، ۷، ۸ (بندهای اول و دوم) ۱۱، ۱۵، ۱۶ و ۱۸ را تجویز نمی کند.

۳- دولتهای طرف این میثاق که از حق تعلیق استفاده می کنند مکلفند بلافاصله سایر دولتهای طرف میثاق را توسط دبیر کل ملل متحد از مقرراتی که از آن انحراف ورزیده و جهاتی که موجب انحراف شده است مطلع نمایند و در تاریخی که به این تعلیق خاتمه می دهند مراتب را به وسیله اعلامیه جدیدی از همان مجرا اطلاع دهند».

[۳]. Principle of Non-Refoulement.

[۴]. Colin Warbrick, The European Response to Terrorism in an

Age of Human Rights, EJIL, vol. ۱۵, No. ۵, (۲۰۰۴), p. ۱۰۰۷.

[۵]. Soering v. UK, Series A, No. ۱۶۱, para. ۹۱.

۶. ماده ۳ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر: «هیچ کس نباید تحت شکنجه یا رفتار یا مجازات غیرانسانی یا تحقیرآمیز قرار گیرد».

۷. Colin Warbrick, op.cit., p. ۱۰۰۸.

۸. بند (و) ماده ۱ کنوانسیون راجع به وضعیت پناهندگان ۱۹۵۱:

«مقررات این کنوانسیون در مورد اشخاصی که علیه آنها دلایل محکمی دال بر موارد زیر وجود داشته باشد مجری نخواهد بود:

الف- مرتکب جنایتی علیه صلح یا بشریت یا جنایت جنگی شده باشند (طبق تعاریف مندرج در اسناد بین المللی که برای پیش بینی مقررات مربوط به این جنایات تنظیم گردیده است).

ب- قبل از آنکه در کشور پناه دهنده به عنوان پناهنده پذیرفته شوند در خارج از آن کشور مرتکب جنایات مهمی که مشمول مجازات عمومی می باشد شده باشند.

ج- مرتکب اعمالی که مغایر با مقاصد و اصول ملل متحد است، شده باشند».

۹. بند (۲) ماده ۳۳ کنوانسیون راجع به وضعیت پناهندگان:

«... اما پناهنده ای که براساس دلایل کافی حضورش برای امنیت کشوری که در آن به سر می برد خطرناک بوده یا طبق رای قطعی دادگاه محکوم به ارتکاب جرم یا جنایت مهمی

شده و مضر به حال جامعه آن کشور تشخیص داده شود، نمی تواند از مقررات مذکور در این ماده استفاده بنماید».

۱۰. Colin Warbrick, op.cit., p. ۱۰۰۸.

۱۱. Ibid., p. ۱۰۰۸.

[۱۲]. Ibid., p. ۱۰۱۰.

[۱۳]. Ibid., p. ۱۰۰۸.

۱۴. بند (۱) ماده ۵ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر:

«همه افراد حق دارند که از آزادی و امنیت برخوردار باشند. هیچ کس را نمی توان از آزادی اش محروم ساخت مگر در موارد ذیل و طبق روش های قانونی:

I) چنانچه کسی پس از اعلام محکومیت از جانب دادگاه صالح به روشی قانونمند زندانی شده باشد؛

II) در صورتی که شخصی به علت عدم پیروی از قرار قانونی دادگاه یا به منظور تضمین اجرای تعهدی قانونی، توقیف یا حبس قانونمند شود؛

III) هنگامی که دلایل موجهی وجود داشته باشد مبنی بر اینکه شخصی مرتکب جرمی شده یا اینکه دلایل معقولی، این تصور را بوجود آورد که ضرورت ایجاب می کند برای

جلوگیری از ارتکاب جرم یا ممانعت از فرار پس از ارتکاب جرم، شخص را، به منظور هدایت نزد مقام صالح قضائی دستگیر و حبس کرد؛

(IV) چنانچه فرد صغیری با هدف نظارت بر تعلیم و تربیت او و یا جهت حضور نزد مقام صالح قضائی به طور قانونمند حبس شده باشد؛

(V) در صورتی که شخص، مبتلا به یک بیماری مسری بوده و احتمال سرایت آن داده شود و یا از جمله افراد روانی، الکلی، معتاد و یا ولگرد باشد؛

(VI) زمانی که دستگیری یا حبس قانونمند برای جلوگیری از ورود و نفوذ غیرقانونی به خاک و قلمرو یک کشور صورت گیرد، یا در مورد شخصی اجرا شود که دادرسی اخراج یا استرداد از کشور درباره او در جریان باشد...».

۱۵. ماده ۹ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی:

«۱- هر کس حق آزادی و امنیت شخصی دارد. هیچ کس را نمی توان خودسرانه (بدون

مجوز) دستگیر یا بازداشت (زندانی) نمود. از هیچ کس نمی توان سلب آزادی کرد مگر به جهات و طبق آیین دادرسی مقرر به حکم قانون.

۲- هر کس دستگیر می شود باید در موقع دستگیر شدن از جهات (علل) آن مطلع شود و در اسرع وقت اختاریه ای دایر به هر گونه اتهامی که به او نسبت داده شده، دریافت نماید.



۳- هر کس به اتهام جرمی دستگیر یا بازداشت (زندانی) می شود باید او را در اسرع وقت در محضر دادرسی یا هر مقام دیگری که به موجب قانون مجاز به اعمال اختیارات قضائی باشد حاضر نمود و باید در مدت معقولی دادرسی یا آزاد شود.

بازداشت (زندانی نمودن) اشخاصی که در انتظار دادرسی هستند نباید قاعده کلی باشد لیکن آزادی موقت ممکن است موکول به اخذ تضمینهایی شود که حضور متهم را در جلسه دادرسی و سایر مراحل رسیدگی قضائی و حسب مورد برای اجرای حکم تامین نماید.

۴- هر کس بر اثر دستگیری یا بازداشت (زندانی) شدن از آزادی محروم شود حق دارد که به دادگاه تظلم نماید به این منظور که دادگاه بدون تاخیر راجع به قانونی بودن بازداشت اظهار رای بکند و در صورت غیرقانونی بودن بازداشت حکم آزادی او را صادر کند.

۵- هر کس که به طور غیرقانونی دستگیر یا بازداشت (زندانی) شده باشد حق جبران خسارت خواهد داشت».

۱۶. بند (الف) بخش ۳۰ قانون ضد تروریسم:

«تعلیق توسط انگلستان از بند (۱) ماده ۵ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر که به بازداشت یک شخص در مواقعی که قصد انتقال یا اخراج او از انگلستان وجود دارد، اتخاذ می شود».

۱۷. Immigration ACT (S. ۱۹۷۱), (۵) (۳).

۱۸. Collin Warbrick, op.cit, p. ۱۰۰۸.

۱۹. Oonagh Sands, British Prevention of Terrorism Act ۲۰۰۵,

۲. ASIL, p.

۲. Ibid., p. ۲۰.

۲. Ibid., p. ۲۱.

۲. Ibid., p. ۲۲.

۲۳. Ireland v. UK, ۱۸ January ۱۹۷۸, Series A, No. ۱۵, pp. ۷۸-۷۹,

۲۰۷ para.

۲۴. «... کشورهای طرف این میثاق می توانند تدابیری خارج از الزامات مقرر در این میثاق

..... اتخاذ نمایند مشروط بر اینکه تدابیر مزبور .... منجر به تبعیضی منحصرأ بر اساس نژاد،

رنگ، جنس، زبان، اصل و منشا مذهبی یا اجتماعی نشود».

۲۵. کمیته حقوق بشر ارگانی است که به موجب ماده ۲۸ میثاق بین المللی حقوق مدنی و

سیاسی به منظور نظارت بر اجرای تعهدات مندرج در میثاق توسط دولتهای عضو بوجود

آمده است.

۲۶. ماده ۲۶ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی: «۱- کلیه اشخاص در مقابل قانون

متساوی هستند و بدون هیچ‌گونه تبعیض استحقاق حمایت بالسویه قانون را دارند. از این

لحاظ قانون باید هرگونه تبعیضی را منع و برای کلیه اشخاص حمایت موثر و متساوی علیه

هر نوع تبعیض خصوصاً از حیث نژاد، رنگ، جنس، زبان، مذهب، عقاید سیاسی و عقاید

دیگر، اصل و منشا ملی یا اجتماعی، مکتب، نسب یا هر وضعیت دیگر تضمین بکند».

۲۷. بند (۱) ماده ۲ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی: «دولتهای طرف این میثاق متعهد

می‌شوند که حقوق شناخته شده در این میثاق را درباره کلیه افراد مقیم در قلمرو

حاکمیتشان بدون هیچ‌گونه تمایزی از قبیل نژاد، رنگ، جنس، زبان، مذهب، عقیده سیاسی

یا عقیده دیگر، اصل و منشا ملی یا اجتماعی، ثروت، نسب یا سایر وضعیتها محترم شمرده

و تضمین بکنند».

۲۸. ماده ۳ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی: «دولتهای طرف این میثاق متعهد

می‌شوند که تساوی حقوق زنان و مردان را در استفاده از حقوق مدنی و سیاسی پیش‌بینی

شده در این میثاق تامین کنند».

۲۹. بند (۱) ماده ۱۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی: «همه در مقابل دادگاهها و

دیوانهای دادگستری مساوی هستند. هر کس حق دارد به اینکه به دادخواهی او منصفانه و

علنی در یک دادگاه صالح مستقل و بی طرف تشکیل شده طبق قانون رسیدگی بشود و در

آن دادگاه درباره حقانیت اتهامات جزایی علیه او یا اختلافات راجع به حقوق و الزامات او

در امور مدنی اتخاذ تصمیم بنماید...».

۳۰. بند (۴) ماده ۲۳ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی: «دولتهای طرف این میثاق

تدابیر مقتضی به منظور تساوی حقوق و مسئولیتهای زوجین در مورد ازدواج در مدت

زوجیت و هنگام انحلال آن اتخاذ خواهند کرد. در صورت انحلال ازدواج، [این دولتها]

پیش‌بینی‌هایی برای تامین حمایت لازم از اطفال به عمل خواهند آورد».

۳۱. بند (۱) ماده ۲۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی: «هر کودکی بدون هیچ گونه

تبعیض از حیث نژاد، رنگ، جنس، زبان، مذهب، اصل و منشا ملی یا اجتماعی، مکنت یا

نسب حق دارد از تدابیر حمایتی که به اقتضای وضع صغیر بودنش از طرف خانواده او و

جامعه و حکومت کشور او باید به عمل آید برخوردار گردد».

۳۲. ماده ۲۵: «هر انسان عضو اجتماع حق و امکان خواهد داشت بدون (در نظر گرفتن)

هیچ یک از تبعیضات مذکور در ماده ۲ و بدون محدودیت غیر معقول:

الف) در اداره امور عمومی توسط مباشر، یا به واسطه نمایندگان که آزادانه انتخاب شوند شرکت نماید.

ب) در انتخابات ادواری که از روی صحت به آرای عمومی مساوی و مخفی انجام شود و تضمین کننده بیان آزادانه اراده انتخاب کنندگان باشد رای بدهد و انتخاب شود.

ج) با حق تساوی طبق شرایط کلی بتواند به مشاغل عمومی کشور خود نایل شود».

۳۳. States of Emergency, (Art. ۲۹ Generl Comment, No. ۴),  
۸, para. ۲۰۰۱ August ۳۱, ۱۱/ Add. ۱/ Rev. ۲۱ CCPR/ C/

۳۴. Colin Warbrick, op.cit., p. ۱۰۰۹.

.\* (Terrorism Act (۲۰۰۰).

۳۵. اصل یکصد و پنجاه و ششم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.

۳۶. Colin Warbrick, op. cit., p. ۱۰۰۹.

۳۷. Ibid., p. ۱۰۰۹.

۳۸. Ibid.

۳۹. Ibid., p. ۱۰۱۲.

M v. Secretary of State for the Home Department, SIAC. ۴۰

.۲۰۰۲/ ۱۷SC/

.۱۰۱۲Colin Warbrick, op.cit., p. ۴۱

.۱۰۰۹Ibid., p. ۴۲

.Ibid ۴۳

.Ibid.۴۴

.۴۵ رک. زیرنویس شماره ۲۶.

.۴۶ General Comment, No. ۱۸, Art. ۸۹/۱۱/۱۰, para. ۲۶ (۱۲).

.۴۷ Ibid., para. ۱۲.

۴۸. ماده ۱۴ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر: «برخورداری از حقوق و آزادیهای مندرج در

این کنوانسیون باید بدون هیچ گونه تبعیضی بنا به هر دلیلی از قبیل جنسیت، نژاد، رنگ،

زبان، مذهب، عقیده سیاسی یا عقاید دیگر، ریشه ملی یا اجتماعی، تعلق به یک اقلیت

ملی، مکتب، نسب یا وضعیتهای دیگر تامین شود».

.۴۹Privy Counsellor Review Committee, Anti-Terrorism, Crime

and Security Act ۲۰۰۱Review, ۱۸th December ۲۰۰۳,

[www.Statewatch.Org/news/۲۰۰۳/doc/atcs Report.Pdf](http://www.Statewatch.Org/news/۲۰۰۳/doc/atcs%20Report.Pdf), p. ۳۳, para.

.۱۹۳

.۵۰ Ibid., p. ۵۴, para. ۱۹۳.

.۵۱ Ibid.

.۵۲ Ibid., p. ۱۸۷, para.

.۵۳ Ibid.

۵۴. بند (۲) ماده ۵ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر: «هر فرد بازداشتی باید در کوتاه‌ترین مهلت و به زبانی که آن را متوجه می‌شود از علل دستگیری و اتهامات وارد بر خود مطلع شود».

۵۵. دکتر آشوری، محمد، حقوق بشر و مفاهیم مساوات، انصاف و عدالت، نشر گرایش، چ اول، فروردین ۸۳، ص ۳۰۷.

۵۶. رک. زیرنویس شماره ۶.

۵۷. ماده ۷ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی: «هیچ کس را نمی‌توان مورد آزار و شکنجه یا مجازاتها یا رفتارهای ظالمانه یا خلاف انسانی یا تفریباتی قرار داد. مخصوصاً قرار

دادن یک شخص تحت آزمایشهای پزشکی یا علمی بدون رضایت آزادانه او ممنوع است».

۵۸. Art. ۲۰ General Comment No. ۷ (Art. ۱۹۹۲), para. ۶.

۵۹. Ibid., para. ۲.

۶۰. Ibid., para. ۵.

۶۱. این کمیته به موجب کنوانسیون اروپایی پیشگیری از شکنجه و رفتار یا مجازات غیرانسانی یا تحقیرآمیز ۱۹۸۷ ایجاد شده است. وظیفه آن این است تا از طریق بازدیدهای سرزده، رفتار با اشخاص محروم از آزادیشان را بررسی نماید، به منظور آنکه حمایت از چنین اشخاصی را در مقابل شکنجه و رفتار غیرانسانی یا تحقیرآمیز، در صورت ضرورت، تضمین نماید.

۶۲. Report to the Government of the United Kingdom on the Visit to the United Kingdom Carried out by the European Committee for the Preventive of Torture and Inhuman Treatment or Punishment (CPT) From ۱۴ to ۱۹ March ۲۰۰۴, (PT) Inf (۲۰۰۵) ۱۰ (۹ June ۲۰۰۵).



۶۳. Chahal v. UK, ۱۵ November ۱۹۹۶, para. ۷۹.

۶۴. General Comment No. ۲۱ (Art. ۱۰), para. ۹۲/۰۴/۱۰.

۶۵. براساس شواهدی تقریباً ۱/۵ سال بین بازداشت و استماع استیناف نزد کمیسیون ویژه استیناف مهاجرتی و تقریباً ۲ سال نیز تا صدور حکم در مورد این استیناف از طرف کمیسیون ویژه استیناف مهاجرتی سپری می شود. رک.

Privy Counsellor Review Committee, op.cit., para. ۱۹۷.

۶۶. بند (۳) ماده ۵ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر: «هر کس که در شرایط مندرج در جزء سوم بند (۱) ماده ۵ دستگیر یا بازداشت شده باشد باید بلافاصله نزد قاضی یا مقام قضائی که قانوناً صلاحیت اقدامات قضائی را دارا باشد، مشایعت شود. چنین شخصی حق دارد در مهلتی معقول مورد محاکمه قرار گیرد یا آزاد شود».

۶۷. دکتر آشوری، محمد، آیین دادرسی کیفری، انتشارات سمت، چ دوم، تابستان ۱۳۸۰،

ج ۲، ص ۱۶۳.

۶۸. دکتر آشوری، حقوق بشر و مفاهیم مساوات، انصاف و عدالت، پیشین، ص ۳۱۷.

۶۹. Wemhoff.

۷۰. نظر کمیسیون اروپایی حقوق بشر از خلال تصمیمات متعدد بر این بوده است که «مهلت معقول» مفهومی است که فقط با لحاظ اوضاع و احوال در هر مورد خاص باید بررسی شود (دکتر آشوری، محمد، حقوق بشر و مفاهیم مساوات، انصاف و عدالت، پیشین، ص ۳۱۶).

۷۱. همان، ص ۳۱۷.

۷۲. Neumeister.

۷۳. دکتر آشوری، محمد، حقوق بشر و مفاهیم مساوات، انصاف و عدالت، پیشین، ص ۳۱۷.

۷۴. Art. ۸ General Comment No. ۹ (Art. ۸۲/۰۶/۳۰), CCR, para. ۳.

۷۵. کمیته امحای تبعیض نژادی ارگانی است که بر اساس ماده ۸ کنوانسیون بین‌المللی رفع هر نوع تبعیض نژادی به منظور تضمین اجرای مقررات این کنوانسیون ایجاد شده است.

۷۶. Concluding Observations of the Committee on the Elimination of Racial Discrimination: United Kingdom/CERD/C/۱۱/Co/۶۳, paras. ۱۷, ۲۱.

۷۷. Rightswatch, UK: Law Lords Rule Indefinite Detention

, [www.hrw.org](http://www.hrw.org)\Breaches Human Rights, p.

۷۸. Special Immigration Appeal Commission Act, ۱۹۹۷.

۷۹. Privy Counsellor Review Committee, op.cit., para. ۱۷۶.

۸۰. بخش (۱) ۲۱ قانون ضد تروریسم: «وزیر کشور می تواند تاییدیه ای را به موجب این

بخش در رابطه با یک شخص صادر نماید در صورتی که به طور معقولی،

الف) معتقد باشد که حضور این شخص در انگلستان یک خطر (تهدید) برای امنیت ملی

است.

ب) مظنون باشد که این شخص یک تروریست است».

۸۱. Privy Counsellor Review Committee, op.cit., para. ۱۷۸.

۸۲. ماده ۶ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر: «۱. همه اشخاص حق دارند که به دعوایشان

توسط یک دادگاه مستقل و بی طرف، که طبق موازین قانونی ایجاد شده باشد، به طور

منصفانه، علنی و در مهلتی معقول رسیدگی شود. دادگاه مزبور باید چه در خصوص

اعتراضات مربوط به حقوق و الزامات مدنی اشخاص و چه درباره صحت هر نوع اتهام

وارد بر آنان، در امور کیفری، اتخاذ تصمیم نماید. رای دادگاه باید به طور علنی اعلام

شود، اما می توان - در صورتی که منافع صغار یا حمایت از حریم زندگی خصوصی اصحاب دعوا، یا در صورتی که دادگاه تشخیص دهد که در شرایط خاص، خصیصه علنی بودن به ضرر منافع عدالت خواهد بود- از حضور روزنامه نگاران و عموم مردم در جلسات دادرسی، جهت رعایت اخلاق و نظم عمومی یا حفظ امنیت ملی در یک جامعه دموکراتیک، ممانعت به عمل آورد.

۲. فرض بر این است که تمامی اشخاص متهم به ارتکاب جرم تا زمانی که مجرمیت ایشان به طور قانونی اثبات شود بی گناه محسوب می شوند.

۳. هر متهمی بویژه حق دارد که

الف) در کوتاه ترین مهلت، به زبانی قابل فهم و به تفصیل، از نوع و علت اتهام وارد بر خود مطلع شود؛

ب) از فرصت و تسهیلات کافی جهت تمهید دفاعیه خود بهره مند شود؛

ج) شخصاً، خود یا با همکاری وکیل مدافع منتخب، دفاع به عمل آورد و چنانچه تمکن مالی جهت پرداخت حق الوکاله وکیل مدافع نداشته باشد در صورتی که منافع عدالت اقتضا کند بتواند به طور مجانی از مشاوره وکیل تسخیری بهره مند شود؛

د) شهودی را که علیه او شهادت داده‌اند شخصاً یا توسط دیگری (وکیل مدافع) مورد پرسش قرار دهد و احضار و پرسش از شهود له را، تحت همان شرایط احضار و پرسش از شهود علیه، به دست آورد.

ه) چنانچه متوجه زبان مورد استفاده در دادرسی نشود یا بدان تکلم ننماید، از معاضدت یک مترجم، به طور رایگان، بهره‌مند شود.

۸۳ Lawless.

۸۴ دکتر آشوری، محمد، حقوق بشر و مفاهیم مساوات، انصاف و عدالت، پیشین، ص

۳۳۰.

۸۵ Council of Europe, Committee of Ministers, Guidelines of

Human Rights and the Fight against Terrorism, ۲۰۰۲, p. ۲۸.

۸۶ Ibid.

۸۷ Ibid.

۸۸ Ibid.

۸۹ Van Mechlen and Others v. the Netherlands, ۲۳ April ۱۹۹۷,

para. ۵۷.

۹۰. See Erdem v. Germany, ۲۰۰۱ July, para. ۶۵.

۹۱. Van Mechlen and Others v. the Netherlands, op.cit., para. ۵۴.

۹۲. Privy Counsellor Review Committee, op.cit., p. ۲۲۸, para. ۶۱.

۹۳. Ibid., p. ۲۲۹, para. ۶۱.

Ibid. ۹۴.

۹۵. Van Mechlen and Others v. the Netherlands, para. ۵۸.

۹۶. Rowe and Davis v. United Kingdom, ۲۰۰۰ February, paras. ۱۶.

۶۰-۶۲.

۹۷. Person Appointed.

۹۸. Colin Warbrick, op.cit., p. ۱۰۱۰.

۹۹. SIAC (Procedure) Rules ۲۰۰۳, Rule ۳۶.

۱۰۰. General Comment No. ۱۳ (Art. ۱۴), para. ۱۹۸, ۹.

۱۰۱. Reasonable Belief and Suspicion.

۱۰۲. A Balance of Probabilities.

۱۰۳. Beyond all Reasonable Doubt

۱۰۴. para. ۵۲ Privy Counsellor Review Committee, op.cit., p. ۱۸۷.

۱۰۵. Counter-Terrorism Policy and Human Rights: Draft

(Continuance in force of ۲۰۰۵ Prevention of Terrorism Act

Sections ۱ to ۹ Order (۲۰۰۶, p. ۱۹, para. ۵۹.

۱۰۶. para. ۱۸۱ Privy Counsellor Review Committee, op.cit.,

۱۰۷. دکتر آشوری، محمد، آیین دادرسی کیفری، پیشین، ص ۱۹۹.

۱۰۸. همان، ص ۲۰۱.

۱۰۹. Regulation of Investigatory Powers Act ۲۰۰۰.

۱۱۰. Interception of Communications Act ۱۹۸۵.

۱۱۱. para. ۵۷ Privy Counsellor Review Committee, op.cit., p. ۲۰۹.

۱۱۲. HUMAN RIGHTS WATCH, Commentery on Prevention of

Terrorism Bill ۲۰۰۵, Prosecution as the Preferred Approach,

www.hrw.org, p. ۲۰۰۵ Morch

۱۱۳. Ibid., p.

۱۱۴. HUMAN RIGHTS WATCH, Commentary on Prevention of

Terrorism Bill, March ۲۰۰۵, Summary, p. ۲۰۰۵, [www.hrw.org](http://www.hrw.org).

۱۱۵. *Klass and Others v. Germany*, Series A, ۱۹۷۸September ۶.

No. ۲۸, para. ۲۳, p. ۴۸.

۱۱۶. *Murray v. UK*, ۲۸October ۱۹۹۴, para. ۵۸.

۱۱۷. دکتر آشوری، محمد، آیین دادرسی کیفری، پیشین، ص ۲۲۲.

۱۱۸. همان.

۱۱۹. همان.

۱۲۰. Colin Warbrick, op.cit., p. ۱۰۱۱.

۱۲۱. Ibid.

۱۲۲. Ibid., p. ۱۰۱۲.

۱۲۳. Ibid.

۱۲۴. دکتر آشوری، محمد، آیین دادرسی کیفری، پیشین، ص ۲۲۹.



۱۲۵. همان.

۱۲۶. همان، ص ۲۳۰.

۱۲۷. Criminal Evidence Act ۱۹۸۷.

۱۲۸. دکتر آشوری، محمد، آیین دادرسی کیفری، پیشین، ص ۲۳۰.

۱۲۹. General Comment No. ۲۰, op.cit., para. ۳.

۱۳۰. دکتر ضیایی بیگدلی، محمدرضا، حقوق معاهدات بین المللی، کتابخانه گنج دانش،

۱۳۸۴، چ دوم، ص ۲۳۳.

۱۳۱. General Comment No. ۲۹, op.cit., para. ۱۱.

۱۳۲. Council of Europe, Committee of Ministers, op.cit., p. ۳۹.

۱۳۳. General Comment No. ۲۰, op.cit., para. ۱۲.

۱۳۴. دکتر آشوری، محمد، آیین دادرسی کیفری، پیشین، ص ۲۰۹.

۱۳۵. دکتر ضیایی بیگدلی، محمدرضا، حقوق بین الملل عمومی، کتابخانه گنج دانش، چ

هجدهم، ص ۷۶.

نویسنده: مهدی حاتمی و محمود حاجی زاده